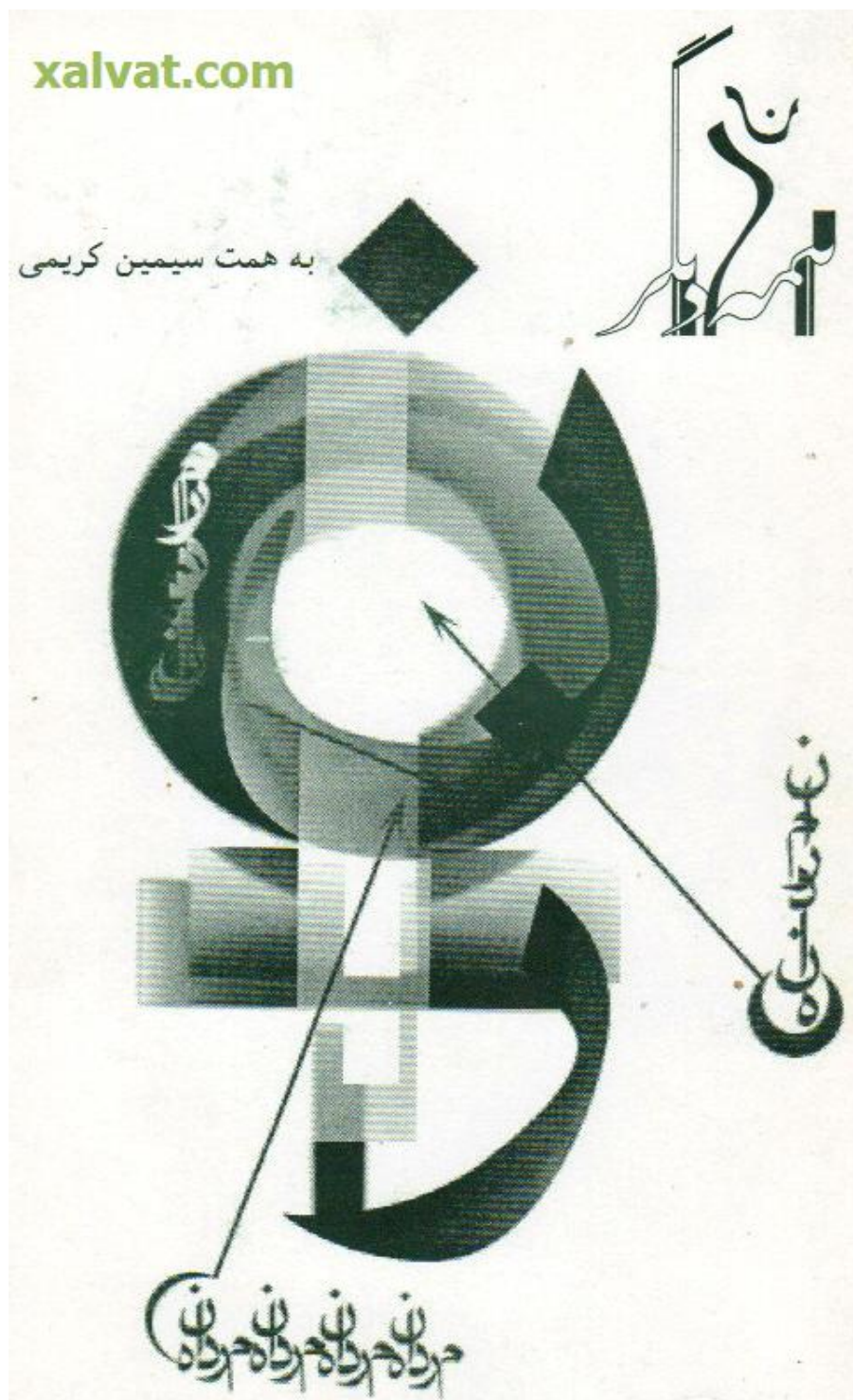




۷۴۲

ابوالقاسم سهیلی : کاربردِ واژه های "زن" و "خانم" در زبانِ فارسی

"نیمه دیگر" ، دوره دوم ، شماره ۲ ، پائیز ۱۳۷۴





دوره دوم: پژوهشهای زنورانه

ویژه زنان و زنان، به همت سیمین کریمی

شماره ۲، پاییز ۱۳۷۴

ویراستار: افسانه نجم آبادی
جرگه ویراستاران: مینا آقا، هاله افشار، ویدا بهنام، پروین پایدار (ناهد پگانه)،
شہلا حاتری، اما دلخانیان، ناهید زاهدی، فتحیه زرکش بزدی، نغمه سهرابی، شهران
طبری (شیرین فروغی)، شیدا گلستان، شهرزاد مجاب، مرجان محتشمی
تایپ: اما دلخانیان، صفحہ آرای: ناهید زاهدی، امور اداری: وندی چو
طرح جلد و نشان مجله: صفورا رفیعی زاده

همکاران: آزاده آزاد، ژانت آقاری، گلناز امین، مہناز انبسیان، لیدیا آوانسیان، مژده
برات لو، میترا پشتون، نیره توحیدی، آذر خونانی، گلنساء رازی، رکسان زند، الیز
ساناساریان، شہلا شفیق، پونه صابری، مریم صمدی، مہناز متین، فرانک میرآفتاب،
نسرین میرسعیدی، پردیس مینوچهر

xalvat.com

بهای این شماره: ۱۰ دلار
بهای اشتراك چهار شماره: فردی ۳۰ دلار/موسسات ۶۰ دلار
(لطفاً کلیه اوراق بانکی به نام Nimeye Digar به دلار آمریکا و در وجه يك بانک
آمریکایی و یا معادل پوند استرلینگ در وجه يك بانک اروپایی باشد.)
نشانی برای همه مکاتبات:

Nimeye Digar, c/o Dept. of Women's Studies, Barnard College,
Columbia University, 3009 Broadway,
New York, NY, 10027-6598, USA

چاپ:

Midland Press (312)-743-0700
1447 W. Devon, Chicago, IL 60660

سیاس نیمه دیگر از بخش پژوهشهای زنان، کالج بارنارد، دانشگاه کلمبیا که به یاری
معنوی و مادی آن نشر این شماره ممکن شده است.

۳	افسانه نجم آبادی	حرفی یا خوانندگان
۶	سیمین کریمی	پیشگفتار
۳۱	کتایون مزداپور	درباره جایگاه زن و زبان پهلوی
۴۷	زهره زرشناس	داستان سفدی بازرگان و روح دریا
		کاربرد واژه های «زن» و «خانم» در زبان فارسی
۵۹	ابوالقاسم سهیلی	دگرگونی «زن» و «مرد» در زبان مشروطیت
۷۲	افسانه نجم آبادی	جنسگرایی در زبان (و فرهنگ) جامعه مردسالار
۱۰۶	حسین باقرزاده	
۱۱۹	اسماعیل خونی	از آئین زنوری!
۱۲۱	افسانه نجم آبادی	در دل دوست به هر حیل و رهی باید کرد
		چند کلامی درباره قطعه «از آئین زنوری!»
۱۲۷	علاء خاکی	

کاربرد واژه های «زن» و «خانم»

در زبان فارسی

«تحلیلی در جامعه شناسی زبان»

xalvat.com

پیشگفتار

وجه قایز بزرگی که برای انسان در مقابل سایر حیوانات در نظر گرفته شده همان قدرت نطق اوست که در کتابهای فلسفه و منطق انسان را حیوان «ناطق» برشمرده اند. پرسشی را که می توان در ارتباط با این اسناد منطقی به آسانی مطرح نمود این است که کاربرد اساسی این قدرت عظیم فطری در انسان چیست و برای چه مقاصدی می توان از آن بهره گرفت؟ اگر برای دستیابی به پاسخ این پرسش کتابهای زبانشناسی را زیر و رو کنیم، گفته Chomsky، که گویی خود نقلی از عالمان پیشین زبان است، در کتاب *Language and Thought* (۱۹۷۲: ۱۹) نظر ما را بیش از هر تعریف دیگر به خود جلب می کند که اعلام می دارد: «زبان آئینه سر تا پای اندیشه ها است.» جذابیت تعریف بالا در این نکته نهفته است که انسان همیشه طالب آزادی بوده و قایل دارد اندیشه های خود را در همه زمینه ها اعم از سیاست، امور اجتماعی، فلسفه، و شعر و ادب بدون هیچ گونه وحشت و سانسوری بیان کند. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که بیان آزاد اندیشه را می توان به دو صورت متفاوت تعبیر نمود. یکی اینکه انسان بتواند حقایق جهان خارج را، آن طور که در عرصه هستی پدیدار شده است، واقع بینانه بیان کند، و دیگر اینکه آزاد باشد تا آن پدیده ها را آنچنان که در آئینه پندار و گمان او می گذرد و یا مبنای آگاهی و تجربی او تطبیق می کند تعبیر و تفسیر نماید. این دو گونه تعبیر از کاربرد زبان در قلمرو بیان و اندیشه، یعنی تعبیر بر اصل و یا جوهر اشیاء و یا تعبیر به

رای باید علی الاصول شاخه های يك اصل باشند که به کاربرد فردی یا ذهنی زبان اطلاق می گردد. در هر دو گونه کاربرد زبان در خدمت اندیشه و رای ما است و می کوشیم تا از آن به حد غایت و نهایت سود بجوییم. به اختصار چنین باید گفت که الفاظ از اندیشه، نگرش و احساس درونی ما رنگ می گیرند و دگرگون می شوند تا بدان سان که در قلمرو شعر و ادب، یعنی تابناک ترین جلوه گاه اندیشه و احساسهای پرمایه و ژرف انسان، آب به «خون» و لفظ به «فریاد» تبدیل می گردد.^۱

اندکی تأمل و ژرف نگری در کاربرد زبان این نکته ظریف را بر ما روشن می کند که زبان نه تنها در خدمت اندیشه و رای ما است بلکه پژوهشهای گسترده در جامعه شناسی زبان نشانگر این واقعیت انکارناپذیر است که عوامل فراوان اجتماعی از نوع سن و سال، پایگاه اجتماعی، شرایط اقتصادی و به قول بیمن (۱۹۸۶: ۳۷) نگرش فردی و اجتماعی و تمرکز بر روی حوزه ای خاص در ارتباط های متقابل و نیز جنسیت در کاربرد زبان دخالت تام دارند.^۲

با در نظر گرفتن عواملی که در بخش بالا متذکر شدیم، هر فارسی زبان می کوشد تا سخن خود را با مقتضیات اجتماعی تطبیق دهد، و اگر در شرایطی لفظ «تو» مناسب و متناسب با حال و مقال سخن نباشد از الفاظ دیگری که خود نیز دارای

۱- اشاره به شعر انگور، سروده نادر نادریور است. این شعر چنین آغاز می شود:
کجا شهد است.

xalvat.com

این آبی که در هر دانه شیرین انگور است؟

کجا شهد است؟

این خون است.

این خون باغبان پیر رنجور است.

...

مرا هر لفظ فریاد است کز دل میکشم بیرون

مرا هر لفظ دریائی ست،

لبریز از شراب و خون.

۲- در این ارتباط نگاه کنید به آثار (۱۹۸۶) Beeman، (۱۹۸۴) Chesire، (۱۹۷۷) Gumpers، (۱۹۹۱) Guy، (۱۹۸۹) Smith، (۱۹۸۳) Trudgill و (۱۹۷۵) Thorne، Henley. بعضی از زبانشناسان پا را از این فراتر گذاشته و جنسیت دستوری را مبین آراء سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی روانی می دانند. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، مراجعه کنید به مقاله (۱۹۹۲: ۴۳۵) McConnel. Ginet.

مراتبی هستند، مانند: شما، سرکار، جنابعالی، حضرتعالی و حضرت مستطاب، استفاده کند.^۱ در نهایت اینکه ارتباط زبان و اندیشه از یک سو و عوامل اجتماعی از سوی دیگر بر کاربرد زبان تأثیر می‌گذارند. تحلیل همزمانی و کاربرد واژه‌های «زن» و «خانم» در نظام واژگانی زبان فارسی شرح این ارتباطهای متقابل و در عین حال پیچیده و ظریف است.^۲

xalvat.com

معانی واژگانی

از معانی متفاوتی که برای واژه‌های «زن» و «خانم» در دو مأخذ بزرگ واژگان زبان فارسی یعنی لغت نامه دهخدا (۱۳۳۹: ۴۵۶ و ۱۵۵) و فرهنگ فارسی معین (۱۳۶۳: ۱۷۴۸ و ۱۳۹۳) ضبط شده چنین استنباط می‌شود که این دو واژه تنها در دو مورد تقارن معنایی دارند و آن «زن» و «زوجه» است. در موارد دیگر «زن» به معنای مادینه انسان و «خانم» به عنوان لقب و خطاب برای زنان به کار می‌رود و در ضمن به زنان بزرگزاده نیز اطلاق می‌گردد مانند^۳:

۱- مهرانگیز خانم (لغت نامه دهخدا)

۲- خانم راضیه، پروین خانم (فرهنگ فارسی معین)

بدون تردید این مأخذ معانی قاموسی این دو واژه را تا حد قابل توجهی برای ما روشن می‌کنند، ولی کوشش ما در این پژوهش ایجاب می‌کند تا گام از سرز قاموسی آنها فراتر نهیم و کاربردها را در شبکه پیچیده ارتباطهای متقابل فردی و اجتماعی زبان بررسی قایلیم. برای روشن شدن موضوع بحث را از دلالت لفظ زن بر مادینه انسان یا به اصطلاح زیان‌شناسی نوین «جنسیت» آغاز می‌کنیم.

۳- برای آگاهی از تغییر و گسترش ضمائر متفصل زبان فارسی با توجه به نیازهای فرد در ارتباطهای متقابل اجتماعی نگاه کنید به بیمن (۱۹۸۶: ۱۴۷).

۴- در این پژوهش از کاربرد واژه‌های زن و خانم در فارسی معاصر بحث شده است و بررسی «در زبانی» یا کاربرد آنها در متون دوران قدیم نیاز به بحث دیگری دارد.

۵- به خاطر محدودیت بحث، از بررسی بعضی از معانی این دو واژه از آن جمله «جیون و ترسو» برای زن و «جنده و فاحشه» برای خانم خودداری شده است.

نشانه های جنسیت

زبان فارسی در گروه زبانهایی قرار دارد که فاقد نشانه های جنسیت دستوری است، چنان که واژه های دبیر و نماینده برای زن و مرد یکسان به کار می رود، مگر در شرایطی که تعیین جنسیت طبیعی یا بیولوژیکی آنها ضروری به نظر آید که این تمایز را با قرار دادن زن یا مرد بعد از آنها نشان می دهیم و مثلاً می گوئیم: دبیر زن و یا نماینده مرد.

علی الاصول در تحلیلهای زبان و به ویژه در حیطه جامعه شناسی زبان این موضوع را می توان مطرح کرد که نشانه های جنسیت دستوری (مذکر، مؤنث و خنثی) چه نقشی را در ارتباطهای فردی و اجتماعی زبان ایفا می کنند؟ بر بنیان تحلیلی که Colbett (۱۹۹۱ : ۳۲۳-۳۲۰) در نوع، طبقه بندی و کاربرد این عناصر در زبانهای مختلف جهان به عمل آورده کاربرد آنها را به دو بخش درون زبانی و برون زبانی تقسیم کرده است. منظور از کاربرد درون زبانی (۱) تعیین جنسیت است که برای مثال در زبان آلمانی از حرف تعریف der برای مذکر و die برای مؤنث استفاده می کنند، (۲) مرتبط کردن ضمیر به اسم ماقبل آن است که در زبان انگلیسی ضمیر he را برای مذکر و she را برای مؤنث می آورند، (۳) و یا تطابق میان اسم و صفت است که در زبان اسپانیایی نشانه تأنیث a را به آخر اسم و صفت هر دو می افزایند مانند: La casa grande «خانه بزرگ». منظور از کاربرد برون زبانی استفاده از این نشانه ها برای معین کردن تأثیر عوامل اجتماعی در زبان است. ما اکنون بحث مربوط به واژه های مورد نظر خود را با توجه به تأثیر عوامل برون زبانی در کاربرد آنها دنبال می کنیم.

همانطور که در بالا به اختصار اشاره کردیم، برای تعیین جنسیت طبیعی اسم در زبان فارسی مثلاً تأنیث واژه «زن» را بعد از آن قرار می دهیم و به صورت ترکیب اضافه در می آوریم مانند:

xalvat.com

۳- الف: کارگر زن

ب: خیاط زن

ج: دکتر زن

د: نماینده زن

چنانکه این ترکیبهای اضافه را گسترش دهیم و به صورت جمله های موصولی در آوریم، معنای ذهنی یا ژرف ساختی آنها به وضوح متبلور می گردد:

xalvat.com

- ۴. الف: کارگری که زن است.
- ب: خیاطی که زن است.
- ج: دکتری که زن است.
- د: نماینده ای که زن است.

نکته شایان توجه این است که هرگاه ترتیب و توالی این عناصر را در اضافه تغییر دهیم، دلالت معنایی زن نیز بلافاصله عوض می شود مانند:

- ۵. الف: زن کارگر
- ب: زن خیاط
- ج: زن دکتر
- د: زن نماینده

در این ترکیبها دیگر صحبت از جنسیت نیست، بلکه سخن از زنی است که دارای شغل معینی باشد:

- ۶. الف: زنی که کارگر است.
- ب: زنی که خیاط است.
- ج: زنی که دکتر است.
- د: زنی که نماینده است.

ساختهای اضافه در بخش (۵) معنای دیگری را هم به ذهن القا می کنند و آن همسر بودن زن است که گویی برای خنثی کردن این دو معنایی (ابهام) آنها را غالباً به صورت جمع در می آوریم و می گوئیم:

- ۷. الف: زنان کارگر
- ب: زنان خیاط

ج : زنان دکتر

د : زنان نماینده

دلالت‌های معنایی و اجتماعی واژه زن

واژه زن علاوه بر تعیین جنسیت طبیعی اسم در نقش مضاف الیه و یا بیان صاحب حرفه در نقش مضاف، در بسیاری از بافت‌های متجانس زبانی به معنای همسر به کار می‌رود و حتی در هنگام خطاب هم از آن استفاده می‌شود مانند این گفتگوی کوتاه:

xalvat.com

۸ - (شوهر به زن): آخر زن سنگدل چرا این طفل معصوم را کتک می‌زنی و سرش داد می‌کشی؟
(زن به شوهر): طفل معصوم کدام است، مرد؟

در بسیاری از این بافت‌ها واژه زن به معنای همسری است که از هیچ گونه امتیاز ویژه اجتماعی برخوردار نیست و قصه‌گوینده و یا نویسنده این است که در میان زن و شوهر از هر طبقه اجتماعی که باشند یک نوع هم طرازی طبقاتی برقرار نماید. مثال‌های زیر این برابری را به خوبی نشان می‌دهد:

۹- زن جواد کجاست؟ (جواد کارگر است.)

۱۰- رضا قصد دارد از زنش جدا شود. (رضا مدیرکل است.)

۱۱- به ملانصرین گفتند چرا زنت را با خود نمی‌بری؟

۱۲- دکتر هر روز از مطب به زنش تلفن می‌زند.

توجه کنید که در این جمله‌ها، صرف‌نظر از مقام اجتماعی شوهر، واژه زن همه جا یکسان به کار می‌رود، به ویژه در جمله (۱۲) که برخلاف انتظار ما از ادای خانم یا خانمش که امکان دارد دال بر توفیق همسر دکتر در تقابل با جمله‌های دیگر باشد خودداری شده است.

بعد از این بررسی کوتاه در کاربرد واژه زن در زبان فارسی در معانی جنسیت، صاحب حرفه و همسر، به ویژه در آن شرایطی که مقام اجتماعی شوهر هیچ

گونه تأثیری بر دلالت ضمنی زن به معنای همسر نمی گذارد، اکنون باید به چگونگی کاربرد واژه «خانم» بپردازیم و آن گاه آن دو را در میزان بافتهای متفاوت به منظور کشف ارتباط متقابل زبان و عوامل اجتماعی نیک بسنجیم.

xalvat.com

دلالتهای معنایی و اجتماعی واژه خانم

از تاریخ و استفاده از لفظ خانم در زبان فارسی آگاهی دقیقی در دست نداریم ولی همانطور که در مآخذ واژگانی آمده است این واژه برای لقب و خطاب بعد از اسم و یا پیش از اسم همراه با نام فامیل آورده می شود مانند:

۱۳- الف: سیمین خانم

ب: آهو خانم

ج: خانم پروین امامی

د: خانم راضیه تهرانی

علاوه بر این، خانم اشاره به زنی دارد که از پایگاه اجتماعی والاتری برخوردار است. فرایند زبانی «باهم آیی» نیز این وجه تمایز را به خوبی آشکار می کند.^۶

۱۴- الف: خانم دکتر

ب: خانم وزیر

ج: خانم نماینده

د: خانم دبیر

اگر این فرض را هم بپذیریم که استفاده از واژه خانم، چه در لقب و خطاب و

۶. شاید کاربرد این واژه مربوط به آغاز تحولات معاصر اجتماعی ایران، یعنی از تاریخ ۱۹۳۶ باشد. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به مقاله بهناز پاکیزگی (۱۹۷۹: ۲۱۶).

۷. منظور از باهم آیی (Co-occurrence) این است که بعضی از واژه ها که پلاشک از عوامل صرف زبانی یا اجتماعی تأثیر می پذیرند همیشه به دنبال یکدیگر می آیند مانند «خانم» با مشاغل برجسته اجتماعی مانند دکتر، نماینده، و «زن» با مشاغل در سطح نازلتری مانند رختشوی، کلفت و غیره.

چه به معنای همسر از تمایز طبقاتی مانند «خانم صارم الدوله» و یا «خانم نزهت الدوله» نشأت گرفته باشد ولی این به اصطلاح صلابت معنایی در فرایند تحولات اجتماعی تدریجاً جای خود را به ارزشهای نوین اخلاقی و روابط طبقاتی داده و غالباً در میان احترام، آن هم به قالب کتابت یا زبان رسمی از آن بهره گرفته می شود مانند:

- ۱۵- (پستیچی): اگر خانمستان تشریف دارند بفرمائید بیایند دم در.
 ۱۶- (شوهر): در صورتی که خانم موافقت کنند، امسال به مشهد می رویم.
 ۱۷- (خانم خدمتکار): رضا، به خانم بگو بیاید پیش من.

در قطعه کوتاه زیر جلال آل احمد (۱۳۴۲: ۵۰) این مضمون را برای واژه خانم در تقابل با زن به خوبی نشان می دهد:

xalvat.com

۱۸- «میرزا منصورخان کم کم در خانه هم رسمی شده بود و با زنش همان رفتاری را می کرد که با رئیس نظمیه ایالتی. زنش را «خانم» صدا می کرد و به وسیله نوکر کلفتها احوالش را می پرسید.»

نکته دیگری که در تقابل معنایی میان زن و خانم نظرها را به خود جلب می کند این است که هنگام تأکید بر جنسیت زن و یا بیان برتری او در امور اجتماعی بدون استثنا واژه زن به کار می رود مانند:

- ۱۹- الف : نقش زن
 ب : فعالیت زن
 ج : زن مجاهد
 د : جمعیت زنان

اجازه بفرمایید برای روشن کردن این وجه تمایز معنایی به تحلیل دو قطعه زیر که از مجله گل آقا (۱۳۷۱: ۳۰ و ۲۵) انتخاب شده است پردازیم:

۲۰- «به هر حال کاری است که شده ولی برای این که حضور فعال خانمهای نماینده در جامعه هم چنان حفظ شود، پیشنهاد می شود رئیس مجلس يك پست مشاورت در امور زنان در هیئت رئیسه یا هر جای دیگری که می

دانند بگنجانند تا قاطبه بانوان نماینده جایگاه مشخصی برای مصاحبه هرچند گاه يك بار در زمینه نقش زن، حضور زن، فعالیت زن و... داشته باشند.

۲۱- «برای مثال در فرهنگ آمریکایی حتی يك خانم می تواند چندین بار ازدواج کند... ولی اگر يك خانم ایرانی بعد از اولین ازدواج بخواهد ازدواج کند برای او کار شایسته ای نیست. از نظر من زن ایرانی به خاطر عاطفه قلبی شدیدی که نسبت به دیگران دارد این کار را نمی کند. يك زن ایرانی حاضر نیست ناراحتی فرزند خود را به بیند و این مرد ایرانی نیست که مثل يك زن ایرانی مقاوم باشد.»

در قطعه اول نویسنده واژه خانم را همراه با نماینده به کار می برد تا احترام لازم را نشان داده باشد، ولی در پایان آن گروه از امور اجتماعی را که منحصر به طبقه بانوان می شود با لفظ زن می آورد که در واقع تأکید بر جنسیت دارد و عاری از هر گونه دلالت ضمنی بر مقام اجتماعی و یا برتری فرهنگی او می باشد. در قطعه دوم نیز نویسنده در آغاز بحث با احترام از خانمهای ایرانی و آمریکایی یاد می کنند، ولی آنجا که نیاز به مقایسه این دو گروه است با استفاده مکرر از لفظ زن ویژگیهای زن ایرانی را به خوبی مشخص می کند.

در دنباله همین استدلال، آقاپورمقدم (۱۳۶۵: ۷۸۸) در مقابل مقام بلند علمی مادام کوری، فیزیکدان و شیمی‌دان فرانسوی، باز او را زن خطاب می کند و چنین توصیف می نماید:

xalvat.com

۲۲- «شهرت و افتخار او را فریفته نساخت و با وجود پایه بلند علمی که داشت در خانه زنی کدبانو و مادری مهربان بود.»

شاید به مناسبت بار معنایی برتر واژه خانم باشد که غالباً از آن در تبلیغات و آگهیهای تجاری به منظور جلب نظرها استفاده می شود مانند:

۲۳- الف : خانمهای خانه دار

ب : خانمهای باسلیقه

ج : خانمهای باحجاب

د : خانمهای شیک پوش

نکته جالبتر این که در شغل یابی نیز زن متقاضی به منشور نشان دادن شخصیت خود و هم چنین جلب اعتماد و اطمینان دیگران از واژه خانم استفاده می کند. به این مثالها توجه کنید:

xalvat.com

۲۴- خانمی در منزل خودتان از فرزندان شما نگهداری می کند.
۲۵- خانمی در شهر سن گابریل فرزندان یکسال به بالای شما را به طور تمام وقت نگهداری می کند.

در این تقاضاها چنانکه واژه زن را به جای خانم به کار بریم تأکید بر جنسیت را می رساند که گویی بخشی از شرط کاریابی است. بلاشک بخش مهم تر آن همان وقار و احترامی است که واژه خانم به ذهنها القا می کند.
علاوه بر این، واژه خانم در بیان دو قطب متقابل احساس یعنی تحجیب و تصفیر هم به کار می رود. بیمن (۱۹۸۶: ۱۲۷) در تحلیل تأثیر عوامل اجتماعی بر نظام صوتی زبان فارسی نشان داده است که صوت /a/ یا /o/ قبل از اصوات /m/ یا /n/ (صوتهای غنه ای) پرافراشته می شود و به /u/ تبدیل می گردد مانند^۸:

۲۶- الف : خانوم جون

ب : صفری خانوم

ج : خانوم کوچولو

د : دختر خانوم

در این مثالها «خانوم» نشانگر تحجیب یا تصفیر می باشد.
در مثال زیر جلال آل احمد (۱۳۶۲: ۲۶) این تغییر واجی را از زبان یکی از شخصیت‌های داستان «سمنویزان» چنین نشان می دهد:

۸ چنین به نظر می رسد که این تغییر واجی با نوسانات معنایی خود زبان را از حالت رسمیت ساقط می کند و چنان که گفتگو میان دو بزرگسال به طور جدی دنبال شود تغییرات صوتی صورت نمی گیرد مانند:

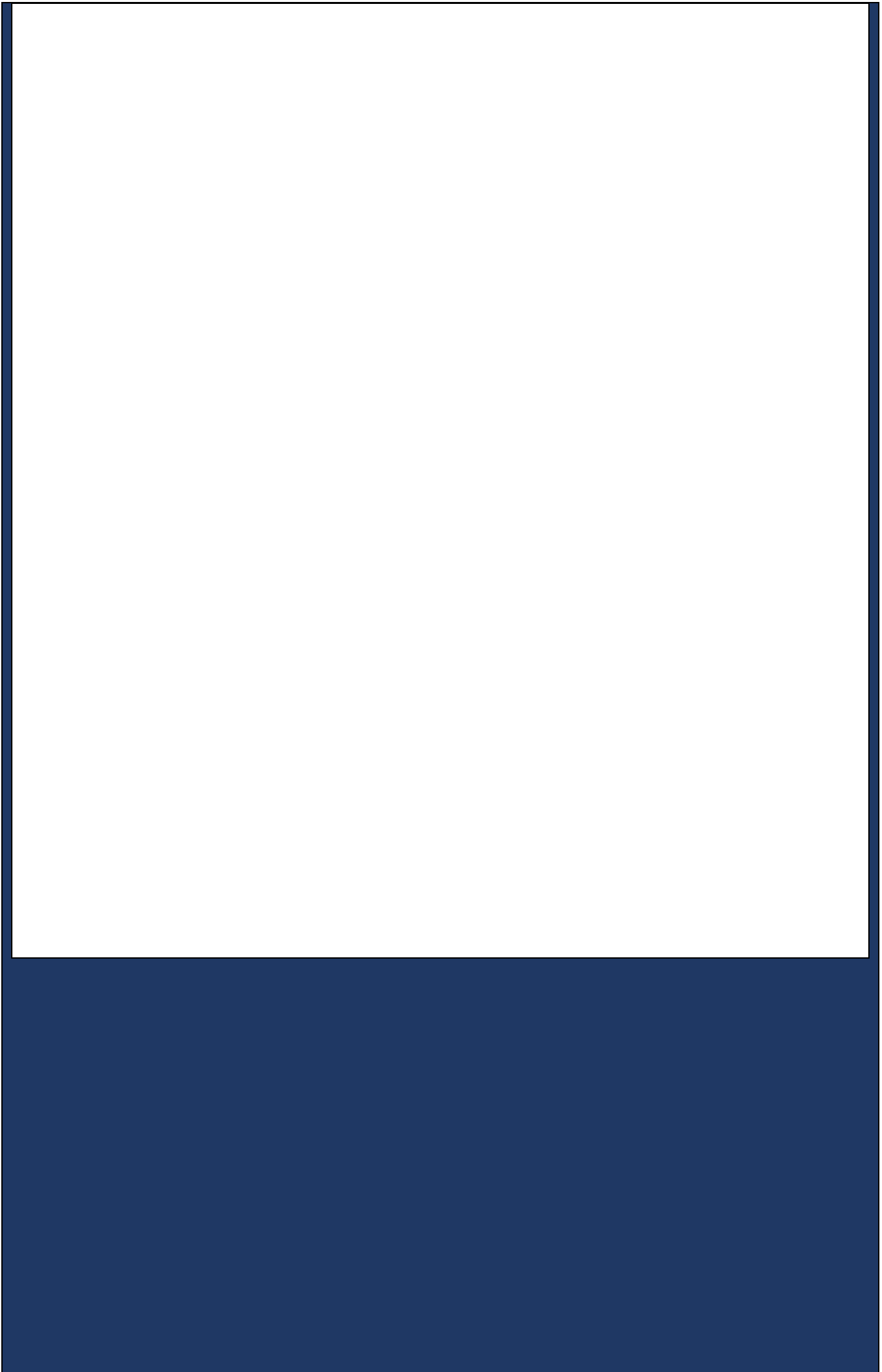
الف: خانم جان، وقتی به شما می گویم پای این «تهاجم فرهنگی» به خانه ما هم کشیده شده قبول کن.
ب - خانم جان، چه خبر شده، چرا کانالهای تلویزیون را قاطعی کرده ای، دنبال چی می گردی؟

۲۷. «خانوم جون، خیلی خوش آمدید. اجرتون با فاطمه زهرا. عروستون
حالش چطوره؟»

xalvat.com

خلاصه و نتیجه گیری

در تحلیل نهایی می توان چنین نتیجه گرفت که واژه زن علاوه بر نقش دستوری خود در تعیین جنسیت، به معنای همسر دارای دلالت‌های ویژه ای است که شاید در نظام رده بندیهای اجتماعی مرتبه ای پایین تر از «خانم» را اشغال نماید، ولی چنانکه دیدیم در هنگام مقایسه و یا تقابل با «مرد» به تضاد معنایی دست یافته است، یعنی اینکه اشاره به آن پایگاه اجتماعی دارد که زن توانسته است با تکیه بر لیاقت، شایستگی و تواناییهای خود آن را اشغال نماید. از سوی دیگر، واژه «خانم» نیز در فرایند تحولات اجتماعی تنزل معنایی و یا به تعبیری دیگر عمومیت معنایی پیدا کرده و تنها به زن بزرگزاده اطلاق نمی شود، بلکه برای بیان احترام به جای زن در طبقه های پایین اجتماع هم به کار می رود. نتیجتاً این دو واژه در بسیاری از ارتباطهای متقابل اجتماعی در زبان فارسی امروز همسان و همسنگ شده اند. در هر حال، چنان که غالب عالمان جامعه شناسی زبان بیان کرده اند زبان با نگرش فردی و اجتماعی پیوند انکارناپذیری دارد؛ و تفاوت میان زن خانه دار، و خانم خانه دار، زن علی آقا و خانم علی آقا هم در همین نکته ظریف نهفته است. در پایان امید است این تحلیل کوتاه در مورد کاربرد اجتماعی واژه های «زن» و «خانم» راه را برای پژوهشهای گسترده تری در زبان فارسی بگشاید و پرده از رازهای نهفته در میان رابطه زبان و عوامل اجتماعی که در حیطه جامعه شناسی زبان مطرح می گردد بردارد.



- Frederick J. Newmeyer. Cambridge University Press.
- Hayden, Rebecca E and et al. 1956. *Mastering American English*. New Jersey: Prentice-Hall, INC.
- Lakoff, Robin. 1975. *Language and Woman's Place*. New York: Harper and Row Publishers.
- McConnel-Ginet, Sally. 1992. "Sex and Language", in *International Encyclopedia of Linguistics* ed. by William Bright. Oxford University Press.
- Pakizegi, Behnaz. 1979. "Legal and Social Position of Iranian Women", in *Women in the Muslim World* ed. by Lois Beck and Nikki Reddie. Harvard University Press.
- Smith, Phillip M. 1989. *Language, the Sexes and Society*. New York: Basil Blackwell.
- Sohelli-Isfahani, Abolghasem. 1992. "A Comparison of the Syntactic Structures in Seven Languages". Tehran: Unpublished Manuscript.
- Thorne, Barrie and Nancy Henley. (eds.) 1975. *Language and Sex: Difference and Dominance*. Mass: Newbury House Publishers.
- Trudgill, Peter. 1983. *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*. Penguin Books.

